درمکتب امام

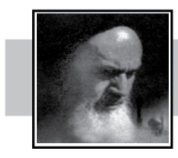

مایه سرشکستگی

نباید ما در ارزاق‌مان محتاج به خارج باشیم. مملکت وسیعی که برای ۱۵۰ میلیون جمعیت کافی است- به حسب آنطوری که گفته می‌شود- [...] زمین‌های وسیع دارید. آب دارید. برکات آسمانی دارید. قدرت دارید. قوه دارید. جوان هستید. جوان دارید. عیب است از یک مملکت اسلامی که محتاج باشد در ارزاقش، آن هم به دشمن‌های خودش. آمریکا که دشمن ماست، ما اگر محتاج به او باشیم برای ما سرشکستگی است. کاری بکنید که خودکفا بشوید و خودتان از این زمین خدا و از این آب خدا ارزاق خودتان را بیرون بیاورید.

صحیفه امام؛ ج۱۲؛ ص۷۷ | قم؛ ۱۷ دی ۱۳۵۸

نگاه

علت دشمنی آمریکا با ایران چیست؟

این روزها خیلی از افراد جامعه تحت تأثیر القائات عوامل مزدور دشـــمن و بعضاً افراد ناآگاه فعال در فضای مجازی، علت دشمنی آمریکا با ایران را در شعار «مرگ بر آمریکا» خلاصه می‌کنند.

اکثر این افراد اگرچه واقعاً سردمداران آمریکایی را به علت ماهیت استکباری و خباثت نهفته در وجود آنها، مستحق مرگ می‌دانند، اما بسیاری از آنها نیز معتقدند که نباید نفرت از ظلم و قلدری و زورگویی یانکی‌ها را با شـــعار «مرگ بر آمریکا» علنی ســـاخت، بلکه باید برای جلوگیری از تشدید شرارت آنها، از اقدامات علنی حتی در حد شعار اجتناب نمود.

اما آیا واقعاً شـــعار «مرگ بر آمریکا» و اظهارات ضداستکباری برخی از مسئولین کشور، علت اصلی کینه و دشمنی آمریکا علیه دولت و ملت ایران است.

در پاســـخ به این ســـؤال باید گفت؛ اگر چنین است، پس علت برخورد رذیلانه آمریکا با افرادی نظیر مرحوم مصدق که گرایش به همکاری با آمریکا داشـــت چیســـت و چرا با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ دولت وی را سرنگون کردند؟ آیا ملی شدن صنعت نفت به نفع مردم و احتمالِ کوتاه شدن دست آمریکا از غارت منابع نفتی و معدنی ایران و پایان دادن به استفاده این کشور از یک ثروت بادآورده در منطقه، علت این دشمنی نبود؟

در واقع، آمریکایی‌ها از همان ابتدای ورود به ایران همواره تلاش داشتند، تا از یک‌سو به بهانه مشارکت در استخراج و صدور نفت، طلای سیاه ایران را با سهم سود بسیار بالا به یغما ببرند و از سوی دیگر با تبدیل ایران به یک بازار بزرگ برای کالاهای عمدتاً مصرفی آمریکایی، این اجناس را با قیمت‌هایی چندین برابر قیمت تمام شده، به مردم ایران تحمیل نمایند.

در ادامه نیز وقتی دولت آمریکا توانست در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی اجتماعی بر ارکان حکومت ایران تسلط نسبی پیدا کند و از موقعیت ایران به‌عنوان یک پایگاه نظامی، جهت حضور در منطقه و در کنار بزرگ‌ترین رقیب بین‌المللی خود یعنی شوروی سابق بهره ببرد، کمپانی‌های تسلیحاتی آمریکایی نیز اجازه یافتند تا با فروش برخی تجهیزات و تسلیحات نظامی و با دریافت مبالغ کلان در قبال محصولات صادره به ایران، از این خوان گسترده بیشترین عواید را نصیب خود نمایند.

رفتارهای دولتمردان آمریکایی با سایر کشورهای جهان که دارای موقعیت یا ثروت طبیعی مناسب بوده و یا به نوعی خواهان استقلال خود شده‌اند، (به‌ویژه پس از قدرت یافتن آمریکا در پایان جنگ جهانی دوم)، نیز ثابت نموده که آنچه برای یانکی‌ها حائز اهمیت است، فقط و فقط منافع سرمایه‌داران آمریکایی است و هرکجا این منافع را در معرض خطر ببینند، از تمام ابزار و روش‌های ممکن نظیر؛ جنگ، کودتا، تحریم، تخریب، ترور، تهدید و متهم‌سازی دیگران در جهت دستیابی به اهداف پلید خود بهره می‌برند.

کودتا علیه آلنده رئیس‌جمهور محبوب مردم شـــیلی، راه‌اندازی انواع انقلاب‌های رنگی و مخملی در کشورهایی مانند؛ چکسلواکی، صربستان، گرجستان، قرقیزستان و اوکراین، تنها چند نمونه از رخدادهایی است که ردپای خیانت و جنایت آمریکایی‌ها در آنها به اثبات رسیده است.

بررسی سایر اقدامات استکباری دولت آمریکا، از سومالی و نیجریه در آفریقا تا نیکاراگوئه در آمریکای لاتین و اقدامات این کشـــور در کوبا، تا جنگ‌افروزی و وقایع تروریســـتی صورت گرفته در خاورمیانه از افغانستان گرفته تا عراق، سوریه، لبنان، یمن و در صدر آن، انواع توطئه‌های انجام گرفته علیه جمهوری اســـلامی ایران، همگی بیانگر این واقعیت است که ملت‌ها و حکومت‌ها یا باید تا ابد پذیرای ننگ ذلت و بردگی یانکی‌ها باشـــند و بی‌چون و چرا ثروت و منابع طبیعی و نیز عزت و اعتبار و موقعیت خود را در اختیار آنها قرار دهند و یا منتظر رفتارهای ناجوانمردانه و ظالمانه آمریکایی‌ها باشند.

در بیان نمونه‌ای از عملکرد خبیثانه سیاســـتمداران آمریکایی، می‌توان به سخن معروف نگرو پونته، فرمانده و سیاستگذار آمریکا در عراق اشاره کرد که خطاب به یکی از مسئولین عراقی می‌گوید؛ «در آمریکا هیچ‌وقت کودتا نمی‌شود، زیرا آمریکا در واشنگتن سفارت ندارد.»

این مفهوم بدان معناست که تمام وقایع ناخوشایند، تروریستی و نظامی و حتی بحران‌های سیاسی و اقتصادی در ســـطح جهان، حاصل کار دســـتگاه‌های امنیتی و دیپلماســـی و به عبارت دیگر تابع رفتار سیاســـتمداران آمریکایی اســـت و اگر خاک آمریکا تا به‌حال از این گونه تهدیدات در امان مانده، تنها به این دلیل اســـت که در آمریکا سفارت آمریکایی وجود ندارد تا زمینه بروز اغتشاش و آشوب در خود این کشور را فراهم نماید.

به این ترتیب به راحتی می‌توان علل تداوم دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی ایران را درک کرد، انقلابی که شرایط و امید و انگیزه مضاعفی را برای خیزش و تقابل با اهداف آمریکا در افکار عمومی مردم جهان ایجاد و خون تازه‌ای را به کالبد نیمه جان ملت‌های تحت سلطه تزریق نمود.

با این حساب، مهم‌ترین علل دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی عبارتند از:

انقلاب اســـلامی ایران، احیاء اسلام ناب محمدی(ص) با خصوصیاتی مانند؛ ظلم‌ستیزی و ایستادگی در برابر ظالمین، حمایت و دفاع از مظلومین، عدالتخواهی و استقلال‌طلبی و سایر ویژگی‌های مشابه را به ارمغان آورد، ویژگی‌هایی که به سرعت مورد توجه و استقبال آزاده‌خواهان جهان قرار گرفت، در حالی که در تضاد کامل با رفتار و عملکرد و نیز ماهیت و اهداف پلید نظام سرمایه‌داری آمریکا و همپالگی‌هایش قرار داشته و طبیعتاً برای آنها (غربی‌ها) قابل هضم و تحمل نبود.

علاوه‌بر این؛ انقلاب اسلامی سبب شد تا آمریکایی‌ها سرسپرده‌ترین نظام حکومتی یعنی حکومت شاه و مهم‌ترین پایگاه خود یعنی ایران که از آن به‌عنوان جزیره ثبات در منطقه نام می‌بردند را از دست داده و از نقش ژاندارمی این کشور برای اِعمال قدرت و جلوگیری از نفوذ و تهدیدات شوروی سابق بی‌بهره شوند.

با بروز انقلاب اسلامی، حرکت‌های ضدصهیونیستی مبارزین لبنانی و فلسطینی جان تازه‌ای به خود گرفت و با قوت گرفتن عملیات‌های ضدصهیونیســـتی در لبنان و فلسطین، به‌تدریج و به شکل رسمی و غیررسمی، نخستین گروه‌های مقاومت نیز شکل گرفتند و با گسترش جبهه مقاومت و پیدایش تشکل‌هایی مانند؛ حزب‌الله لبنان و تشکیل و تقویت سایر گروه‌های مقاومت مردمی در فلسطین و پیرو آن شکست‌های پی‌درپی این رژیم در برابر گروه‌های مذکور، برای همیشه هیمنه و ادعای کاذب شکست‌ناپذیری این رژیم غاصب و فاسد فرو ریخت.

در واقع پس از ظهور انقلاب اســـلامی ایران، اصلی‌ترین همپیمان و شـــریک منطقه‌ای آمریکا یعنی رژیم اشـــغالگر قدس نیز در معرض تهدید جدی قرار گرفت و در حدی بر آســـیب‌پذیری‌های آن افزوده شـــد که نه‌تنها ســـردمداران این رژیم جعلی و غاصب مجبور به کنار گذاشتن نقشه از نیل تا فرات (طرح اشغال سایر سرزمین‌های اسلامی از مصر تا عراق) گردیدند، بلکه با احداث دیوار حائل، خود را در زندانی از دیوارهای بتونی محصور نمودند.

تشـــکیل و تقویت گروه‌های مقاومت در لبنان و فلســـطین، پایان ماجرا نبود، چرا که در پی حمایت آمریکا از جنگ نابرابر عربستان با یمن و با پیدایش گروه‌های تروریستی تحت حمایت آمریکا در سال‌های اخیر، متقابلاً گروه‌های اسلامی دیگری مانند؛ انصارالله در یمن، حیدریون و حشدالشعبی عراق، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان، قوات الدفاع الوطنی (نیروهای بسیج مردمی سوریه) برای مقابله با تروریست و نقشه‌های جدید آمریکا در منطقه پدیدار شدند.

جبهه مقاومت به ســـرعت در کشور عراق و سوریه که در خط مقدم مقابله با تروریست قرار داشتند گسترش یافت، به‌طوری که گروه‌های وابسته به این جبهه توانستند با تشکیل ده‌ها گروه و تشکل نظامی دیگر، گروه‌های تروریســـتی را نابود و بار دیگر نقشـــه آمریکا برای حضور مؤثر در منطقه را با شکســـت مواجه نمایند.

شکست طرح خاورمیانه بزرگ که توسط آمریکایی‌ها با هدف ترویج و توسعه الگوهای غربی در منطقه مطرح شده و همچنین شکل گرفتن جبهه مقاومت و نیز هلال شیعی در منطقه که به زعم آنها با اهداف سیاسی به‌وجود آمده است، یکی دیگر از علل دشمنی آمریکا با ایران محسوب می‌شود.

همچنین انقلاب اسلامی با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی و پیشرفت‌های علمی و عملی خود در عرصه‌های مختلف، توانست زمینه‌های بیداری اسلامی در منطقه را فراهم و این باور را در مردم تحت ســـتم غرب و شـــرق و افکار عمومی جهان ایجاد نماید که با اتحاد و انسجام درونی می‌شود، روی پای خود ایستاد و در مقابل زیاده‌خواهی‌های ظالمانی مانند سردمداران دولت آمریکا ایستادگی کرد.

همین رویکرد جدید بود که سبب شد تا اظهارات و اعتراضات ضدآمریکایی مردم جهان و حتی مردم خود آمریکا روز به روز گسترش یافته و با اقداماتی مانند؛ به آتش کشیدن پرچم آمریکا (به عنوان نماد شیطان) در نقاط مختلف جهان و حتی در خاک خود آمریکا، نمود علنی پیدا کند.

بی‌شک فتح لانه جاسوسی آمریکا در ایران توسط انقلابیون در ابتدای انقلاب، حمله و هشدار جسورانه رزمندگان ایرانی به ناوها و پرنده‌های آمریکایی و نفتکش‌ها و سایر شناورهای تحت پوشش این کشور در جریان جنگ تحمیلی و پس از آن و همچنین بی‌اعتنایی و پاسخ متقابل ایران به تهدیدات نظامی آمریکا، در اثبات آسیب‌پذیری آمریکا و پیدایش رویکرد جدید مبنی بر امکان مقابله با استکبار، بی‌تأثیر نبوده است.

با این همه هنوز عده‌ای ســـاده‌لوح هســـتند که به‌رغم همه اقدامات و توطئه‌های آمریکا علیه ایران، بخش‌هایی از حاکمیت این کشور را خیرخواه ملت‌ها معرفی می‌کنند، بدون آنکه از خود بپرسند چرا در حالی که غربی‌ها مردم ایران و بســـیاری از دیگر کشـــورها را از ضروری‌ترین نیازهای خود از جمله؛ دارو، فناوری‌های نوین و تجهیزات پیشرفته محروم می‌کنند، کالاهای مصرفی لوکس و غیرضروری مانند؛ انواع خودرو و یا لوازم آرایشی را روانه بازار این کشورها می‌کنند و یا چرا علیرغم هزینه‌های فوق‌العاده سنگین تهیه و تولید فیلم و سریال و ساخت و نگهداری سیستم‌های ماهواره‌ای، ده‌ها و بلکه صدها شبکه ماهواره‌ای فارسی و غیرفارسی را به مردم ایران اختصاص داده‌اند.

این افراد خواسته یا ناخواسته انتظار دارند، حالا که نهضت بیداری اسلامی و قیام مردم آزاده جهان در حال اخذ نتیجه اســـت و دولت آمریکا روز به روز به فروپاشـــی ساختار پوسیده حکومتی خود نزدیک می‌شود، از کمترین اقدام عملی که تداوم همان شعار «مرگ بر آمریکا» است، دست بردارند، تا بار دیگر نظام حکومتی آن بتواند در سایه خاموشی ملت‌ها، جان دوباره‌ای بگیرد.

احمدرضا هدایتی

مخالفت مجلس
با طرح تفکیک وزارت صنعت، معدن و تجارت

سرویس سیاسی-

در جلســـه دیـــروز مجلس نمایندگان با قیـــد فوریت برای بررســـی طرح تفکیـــک وزارت صنعت، معدن و تجارت مخالفت کردند، همچنین مجلس مصوباتی در جهت حمایـــت از کودکان و نوجوانان داشت ضمن آنکه کبیری نماینده خوی گره زدن مشکلات اقتصادی به تحریم‌ها را رد گم کنی دانست و گودرزی نماینده بروجرد عنوان کرد که آیا مسئولان مربوطه از وضعیت مسکن اطلاع دارند؟

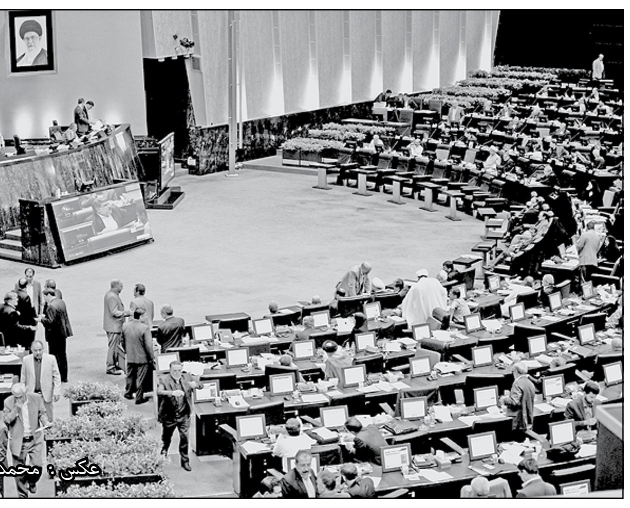

عکس: محمد علی شیخ زاده

نمایندگان در نشست علنی دیروز در جریان بررسی فوریت طرح تفکیک وزارت صنعت، معدن و تجارت با دو فوریت این طرح مخالفت کردند.

گفتنی اســـت چندی پیش نماینـــدگان با کلیات لایحه اصلاح ساختار دولت که خواستار تفکیک وزارت راه و شهرســـازی، صنعت، معدن و تجارت و ورزش و جوانان مخالفت کردنـــد. پس از رد این لایحه، دولت مجددا هفته گذشـــته لایحه تفکیک وزارتخانه تعاون، کار و رفـــاه اجتماعی را به مجلس تقدیم کرد؛ طرحی که طـــرح دارای ۸ ماده بود و وزارت صنعت، معدن و تجـــارت را به دو وزارتخانه صنعت و معدن و توســـعه صادرات و بازرگانی تقسیم می‌کرد.

پس از آن رد دو فوریت این طرح، درخواست بررسی یک فوریت طرح به رای گذاشته شد که در نهایت یک فوریت آن نیز به تصویب نمایندگان نرسید.

مصوباتی برای حمایت از کودکان و نوجوانان

در ادامه جلســـه قبل مجلس در جلسه دیروز نیز کار بررســـی و تصویب قوانین حمایـــت از کودکان و نوجوانان ادامه یافت.

در جلســـه دیـــروز نمایندگان مجلـــس مجازات ســـهل‌انگاری در نگهداری از کودکان را تعیین کردند. مـــواردی از قبیل نقص یا قطع عضو، آزار جســـمی یا جنسی کودکان، جراحات در اعضای بدن، نقصان یکی از حواس و... از مصادیق سهل‌انگاری عنوان شده است.

همچنیـــن به موجب ماده ۸ لایحه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، هر کس با تهدید، ترغیب یا تشویق موجب فرار طفل و نوجوان از خانه یا مدرســـه و یا ترک تحصیل وی شود یا اطفال و نوجوانان را بدین منظور فریب دهد و یا موجبات آن را تسهیل یا فراهم کند، در صورت فرار یا ترک تحصیل، حسب مورد به یک یا چند مجازات درجه شش محکوم می‌گردد و در غیر این‌صورت، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجه می‌شود و در صورت تکرار به مجازات فوق محکوم می‌شود.

دیگر اینکه به موجب ماده ۱۰ این لایحه، هرکس نســـبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوءاستفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد با درنظرگرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه‌دیده، شرایط مرتکـــب و آثار جرم، به ترتیبی که در این ماده قانون ذکر شده مجازات خواهد شد.

مجازات شاهدان خاموش کودک‌آزاری

بر اساس ماده ۱۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، هرگونه معامله راجع به طفل و نوجوان از جمله خرید و فروش آنان ممنوع و مرتکب به مجازات حبس درجه پنج محکوم می‌شود، چنانچه این رفتار با هدف فحشا و هرزه نگاری، بهره کشی اقتصادی، برداشت اعضاء یا جوارح و یا استفاده از طفل و نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه چهار محکوم می‌شود.

به موجب این ماده از قانون مجازات تعیین شـــده برای کارکنان دولت در مورد مصادیق جرم که در ماده ۱۱ ذکر شده سختگیرانه‌تر خواهد بود. ضمن آنکه در جلســـه دیروز مجازات‌های تشویق کنندگان کودکان به خودکشـــی، قاچاقچیان کودک و فروشندگان مواد دخانی به کودکان تعیین شد.

همچنیـــن هر کـــس از وقوع جرم یا شـــروع آن علیـــه طفل و نوجوانی مطلع بوده یا شـــاهد وقوع آن باشـــد و با وجود توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیت‌دار و کمک طلبیدن از آنها از این امر خودداری کند، به جزای نقدی و حبس محکوم می‌شود.

گره زدن مشکلات اقتصادی به تحریم‌ها

ســـیدتقی کبیری، در نشست علنی دیروز مجلس در نطق میان دســـتور اظهار داشـــت: در ابتدای نطق میان دســـتور خود لازم می‌دانم به عنوان وکیل مردم با تمام خضوع و خشـــوع در برابر ملت ایران به دلیل اوضاع نابسامان اقتصادی و سوءمدیریت‌ها، فشارهای اقتصادی و بی‌تدبیری‌ها پوزش بخواهم.

عضو هیئت‌رئیســـه کمیســـیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه امیدوار است قوای سه‌گانه تدابیـــر لازم برای رفع مشـــکلات اقتصادی مردم و نابسامانی‌های اقتصادی اخیر بیندیشند، ادامه داد: به دولت محترم متذکر می‌شـــوم تا کی مردم باید تاوان سیاســـت‌های غلط در مدیریت بازار ارز، ســـکه، مسکن، خودرو و کالاهـــای دیگر را بدهند و رانت‌خـــواران از فرصت به وجودآمده برای ســـوداگری و کسب ثروت‌های بادآورده و نامشروع سوءاستفاده کنند.

نماینده مردم خـــوی و چایپاره در مجلس دهم شـــورای اســـلامی تاکید کرد: باید این نکته را یادآوری کنم که متأسفانه مجلس شورای اسلامی در بُعد نظارتی خود نمره قابل قبولی را کسب نکرده، سؤالات، تذکرات، استیضاح‌ها و تحقیق و تفحص‌ها در فضای غبارآلود لابی‌گری گم شده و تأثیرگذاری خود را از دست داده است.

وی بیان داشت: امروز بنده اعلام می‌کنم که گره زدن تمام مشـــکلات اقتصادی کشـــور به تحریم‌های دشمن رد گم کردن است، هر چند که دشمن کینه‌توز مردم و نظام جمهوری اســـلامی با تمام قوا وارد جنگ اقتصادی شده است و سعی در القای ناکارآمدی نظام و جـــدا کردن مردم از نظـــام و انقلاب و رهبری دارد، البته زهی خیال باطل.

چه کسی بر بازار مسکن نظارت می‌کند؟

عبـــاس گودرزی نماینده مردم بروجرد در مجلس دیـــروز در صحن علنی گفت: من با تمام احترامی که بـــرای همکارانم قائلم به هیئت‌رئیســـه مجلس تذکر می‌دهم که آقای سیف یا استعفا داد یا برکنار شد؛ حال چه کسی باید از او مطالبه کند؛ مردم یا من و شما؟

وی بر همین اســـاس اضافه کرد: چه کسی باید از سیف مطالبه کند که شخصی ۵۹ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار و همچنین ۵۱ میلیون یورو به گفته آقای اژه‌ای می‌گیرد. چه کسی اینها را داده و کجا خرج شده است؟

این نماینده مجلس دهم با طرح این سؤال که چه اجناسی وارد کشور شده و آیا به قیمت وارد بازار شده اســـت یا خیر، گفت: مجلس امروز خود را از راس امور پایین می‌آورد. با مســـائلی که در این شرایط حساس در مجلس مطرح می‌شود، مردم به ریش ما می‌خندند.

وی عنوان کرد: وزیر مســـکن باید جواب دهد؛ حال شما بگویید که چه کسی باید نظارت کند؟ آقای رئیس! چه کسی باید نظارت کند. من می‌پرسم که آیا ما دولت مســـتقر نداریم؟ شما به مسکن سر بزنید، هر کسی هر قیمتی که دوست دارد می‌گذارد، مردم چه گناهی دارند؟

گودرزی همچنین خاطرنشان کرد: خواسته دشمن اثبات دروغین ناکارآمدی نظام است که البته این خواب پریشان هیچ گاه تعبیر نخواهد شد. مردم دست از این نظام بر نخواهند داشـــت. چشـــم دشمن کور شود اما مردم به این نظام وفادار هســـتند اما ما مسئولان باید به اولویت‌های کشور بپردازیم.

---

۵ کارگر مظلوم شهرداری
قربانی انگل‌ها و قوانین ناکارآمد قضایی

سرویس اجتماعی-

خبر تلخ کشته شدن پنج نفر از کارگران شهرداری بر اثر برخورد یک دستگاه خودروی سواری با آنها در بزرگراه شهید بابایی در یکی دو روز گذشته یکی از خبرهـــای پر دامنه رسانه‌ها بود.

سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران

کارگران افغانستانی که صبح زود در انتظار آمدن سرویس خود بودند هرگز فکـــر نمی‌کردند که تا لحظاتی دیگر قربانی بدمستی عده‌ای جوان خوشگذران شوند. جوانانی که تفریح و سرمســـتی آنها به قیمت مـــرگ پنج کارگر زحمتکش شهرداری و داغدار شدن خانواده‌های آنها و وخامت حال دو نفر دیگر تمام شد.

شاید اگر این تصادف با همه لطمات جبران‌ناپذیر و غمناک بودنش علتی همچون تصادفات دیگر می‌داشت، اندوه ماجرا اندکی کمتر می‌بود اما وقتی علت و راز این سانحه دلخراش با مثبت بودن تســـت الکل سرنشینان جوان که یک دختر و ســـه پسر کم سن ســـال بودند مشخص شد، غم این سانحه دوچندان شد.

اینکـــه جان چند کارگر زحمت‌کش و ضعیف که در پی کسب رزق حلال از خانه و زن و فرزند خود جدا شده‌اند، تنها به خاطر مستی و خواب‌آلودگی عده‌ای جوان گرفته می‌شود داغ ماجرا را مضاعف می‌کند.

ضعف خطرناک یا اجرای نادرست قوانین ؟

متاسفانه این اولین بار نیست که علت تصادفات مرگبار یا پر خسارت در کشور ما استفاده راننده از مشروبات الکلی یا مواد روانگردان است و شاید آخرین بار هم نباشد اما سؤال اصلی اینجاســـت؛ چرا جرایم و مجازات این افراد به اندازه‌ای نبوده اســـت که بتواند از حوادث مشـــابه جلوگیری کند و درس عبرتی باشـــد برای کسانی که انگیزه‌ای برای عمل به قوانین ندارند.

رئیس‌پلیس راهنمایی و رانندگـــی تهران بزرگ درباره اقدامات پلیس در قبال سرنشـــینان خاطـــی این خودروی حادثه‌ساز که مرگ پنج نفر را رقم زدند، گفت: خودروی این افـــراد به مدت طولانی توقیـــف و گواهینامه این افراد نیز به مدت ۶ ماه ابطال می‌شود.

سردار مهماندار با اذعان به اینکه قانون در این بخش ضعف دارد، افزود: در خیلی از کشورها فقط رانندگی در حالت مستی و نه لزوما تصادف در این حالت، مشـــمول جرایم سنگینی از جمله ابطال کامل گواهینامه می‌شـــود و فرد خاطی پس از چند سال دوباره باید از اول اقدام به گرفتن گواهینامه نماید اما در کشور ما ۶ ماه گواهینامه باطل می‌شود که کافی نیست.

البته قانون‌گذار نســـبت به این جرایم پر خطر بی‌تفاوت نبوده است. در همین زمینه یکی از اساتید حقوق بااشاره به موارد مختلف دیده شـــده در قانون راجع به تخلف رانندگی در حالت مســـتی گفت: درخصوص حادثه مورد اشاره از نظر حقوقی ســـه نوع مسئولیت برای آنها قابل بررسی و محتمل است :

الف- مسئولیت مدنی: از نظر مدنی دیه هر پنج مسلمان باید پرداخت شود و میزان دیه هم بر اساس یوم‌الادا و قیمت روز تعیین می‌شود. به نظر می‌رسد هیچ معافیتی از این حیث ندارند و باید کاملا پاسخگو باشند.

ب- از نظر انتظامی: به نظر می‌رسد هیچ معافیتی از این حیث نیز ندارند و باید کاملا پاسخگو باشند بالاخص راننده درحال مستی نمره منفی توقیف خودرو و ابطال گواهینامه را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

ج- از نظر کیفری: از این حیث سه کیفر در انتظار آنان می‌تواند باشد :

۱-کیفر حد شرب: حد شرب خمر که طبق فصل ششم- مصرف مسکر طبق ماده ۲۶۴- مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشـــد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است.

تبصره- خوردن فقاع (آب جو مســـکر) موجب حد است هر چند مستی نیاورد.

ماده ۲۶۵- حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است

۲-کیفـــر قصاص: که طبق مـــاده ۳۰۷- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روانگردان و مانند آنها، موجب قصاص است زیرا همین که به اختیار خود پشت فرمان نشسته و مســـیر انتخاب نموده و... نشاندهنده عدم مسلوب‌الاختیار کامل بودن است.

۳- کیفـــر تعزیر حبس: طبق ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات، در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقـــص و عیب مکانیکی موثر در تصادف به کار انداخته یا در محـــل هایی که برای عبور پیاده‌رو علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محل‌هایی که عبور از آن ممنوع گردیده اســـت رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در ماده فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند علاوه‌بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید.

البته در کنار ایـــن موارد، قانون جرایم دیگری نیز برای رانندگان مست در نظر گرفته است از جمله ۴۰۰ هزار تومان جریمه نقدی اما سؤال اینجاست که یا این جرایم کافی نبوده است که باز هم شاهد تکرار این حوادث تلخ هستیم و یا در مواردی مشابه حادثه اخیر قانون به طور کامل اجرا نمی‌شود تا برای همیشه درس عبرتی برای سایر متخلفان شود.

خطر ۱۰ برابری با رانندگی در حالت مستی

رئیس‌مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ درخصوص مصرف مشـــروبات الکلی و مواد روانگردان در زمان رانندگی می‌گوید: مصرف مشـــروبات الکلی و مواد روانگـــردان باعث عـــدم تمرکز در رانندگی شـــده و موجب می‌شـــود که راننده نتواند در حیـــن رانندگی تصمیم‌گیری صحیح داشـــته باشد؛ چرا که راننده اقدام به انجام رفتارهای خطرآفرین می‌کند.

به گفته سرهنگ مراد مرادی، مصرف مشروبات الکلی و روانگردان دشمن شماره یک ایمنی در رانندگی تلقی شده و خطر ریسک‌پذیری و وقوع تصادف را ۱۰ برابر افزایش می‌دهد.

قانون مراعات چه کسانی را می‌کند؟

حال ســـؤال اینجاســـت که وقتـــی یک اقدام غلـــط همچون مصرف مشروبات الکلی و روانگردان می‌تواند تا این حـــد خطرآفرین باشد و جان سایر افراد بی‌گناه را به خطر اندازد، چرا قوانین و جرایم در نظر گرفته شده اثر گذاری لازم را ندارد؟

ضعیف بودن قانـــون در این بخش یا اجرا نشدن قوانین موجود برای مراعات حال چه کسانی در نظر گرفته شده اســـت؟ آیا اگر قوانین به مراتب سخت‌تر و بازدارنده‌تری در این زمینه وجود داشته باشد یا قوانین موجود با قدرت اجرا شود، کسی به خود جرأت می‌دهد با حالت مستی و از خود بی‌خود شده ارابه مرگ را در سطح شهرها و جاده‌ها براند و جان افراد بی‌گناه را به راحتی آب خوردن بگیرد؟

چنـــد خانواده دیگر باید تاوان مســـتی عده‌ای افراد کم توجه را با مرگ عزیزانشـــان بدهند تا دستگاه‌های نظارتی یا قانون‌گذار متوجه عمق خسارت شوند؟ اگر واقعا در این مورد یا موارد مشابه قانون ضعف یا کاستی دارد و یا قوانین موجود به خوبی اجرا نمی‌شـــود وظیفه نمایندگان مجلس، دستگاه قضائی و نیروی انتظامی اســـت که به تجدید نظر در قوانین یا درخواست تصویب قوانین بازدارنده و قاطع بپردازند. قطعا اگر همچون بسیاری از موارد دیگر در کشور ما که یا قوانین ضعیف و کم اثر است یا درست اجرا نمی‌شود به قوانین مرتبط با این تخلف رانندگی و اجتماعی پر هزینه با دید کارشناسی و دقیق نگریســـته شـــود، لزوم به کارگیری قوانین محکم و بازدارنده بیش از پیش احساس می‌شود.

فراموش نشود مسئولانی که در این زمینه دارای وظیفه هستند اما به درستی به وظایفشان عمل نمی‌کنند در خسارات احتمالی ناشی از این تخلفات شریک هستند.

جولان جوانان مست ثروت

نکته دیگر اینکه فارغ از تذکر مکرر مردم و دلسوزان درباره برخورد مناسب و قاطع با دوردور کردن‌های آزاردهنده و بعضا حادثه‌آفرین برخی جوانان مست ثروت یا غفلت زده، توسط پلیس و دســـتگاه قضا، در بعد برخورد با برخی آســـیب‌های اجتماعـــی نظیر توزیع فراوان مواد مخدر در ســـطح جامعه از جمله مـــواد روانگردان و همچنین مشـــروبات الکلی هم نیاز به تصمیمات قاطع‌تر و عزمی جزم‌تر از سوی مسئولان احساس می‌شود.

البته کسانی که برخورد قاطع با قاچاقچیان مواد مخدر و مواد روانگردان یا مشروبات الکلی را خشن و افراطی می‌خوانند امروز جا دارد یکی از آثار تلخ توزیع این مواد پر خطر را ببینند که چطور خانواده‌های زیادی را داغدار کرده است.

غفلت دردناک برخی خانواده‌ها

کم توجهی برخی خانواده‌ها به ارزش‌ها و غافل شـــدن از نیازهای تربیتی فرزندانشـــان به اسم به روز بودن موضوع مهم دیگری است که امروزه متاسفانه متاثر از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای متعدد در حال آسیب زدن به نسل جوان و نوجوان کشور است. اینکه سه پسر و یک دختر که عمدتا بین ۱۶ تا ۱۸ ســـال دارند در حادثه اخیر در حالت غیر عادی در ساعات بامدادی سوار بر خودرو پرسه بزنند و جان دیگران را بگیرند نمی‌تواند نامش به روز بودن و دادن آزادی به جوانان باشـــد بلکه تیشـــه زدن به ریشه تربیت و نابودی آینده آنهاست.

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

دوتابعیتی‌ها فرصت هستند کانادا شاهد است!

سرویس سیاسی-

روزنامه اعتماد پس از آنکه بار دیگر موضوعی از منتقدان را سیاسی‌کاری عنوان می‌کند و به این صورت سعی دارد تا موضوع انتقاد آنها را فاقد ارزش نشـــان دهد به بیان چرایی طرح آن ادعای حیرت‌زا می‌رود که گفته بود: «دوتابعیتی‌ها فرصت هستند»!

اعتماد در تشـــریح آن می‌نویسد: «فارغ از همه این مسائل اما بحث دوتابعیتی‌ها ابعادی غیرسیاسی نیز دارد. ممانعت از انتصاب شهروندان ایرانی دارای تابعیت مضاعف در مناصب دولتی در شرایطی بنابر قانون مدنی صورت می‌گیرد که در دو، سه دهه اخیر شاهد تحولاتی اساسی در این خصوص در کشورهای مختلف بوده‌ایم که شاید نمونه بارز آن، تشکیل کابینه جدید کانادا متشکل از حدود نیمی از شهروندان دوتابعیتی بود.»

نویسنده با اینکه فقط از کانادا نام برده اما در ادامه مدعی می‌شود «استفاده از ظرفیت شهروندان دارای تابعیت مضاعف در بسیاری از کشورها حالا به برگ برنده آنها در رقابت با دیگر کشورها تبدیل شده و در این شرایط، ما به‌راحتی از کنار این ظرفیت‌ها عبور می‌کنیم...»

ایکاش نویسنده این ادعای محیرالعقول را با راهکاری تکمیل می‌کردند که مثلا فلان مدیران که تابعیت مضاعف داشتند و در بزنگاه بیت‌المال را دزدیدند و به کشورهایی که به آنها تابعیت داده‌گریختند الان چرا نمی‌شود آنها را به کشور بازگرداند؟ ظرفیت دوتابعیتی را در موضوع مذاکرات برجام هم دیده شد که اکنون یکی از همان‌ها به ۵سال حبس محکوم شد و شاید روزی بسته به شرایط و با در نظر گرفتن مسایل امنیتی بخش‌هایی از اعترافات او و همچنین یافته‌های ماموران امنیتی به نمایش درآید. همچنین بگویند در مورد دوتابعیتی‌هایی که به واسطه داشتن تابعیت مضاعف با خیال آسوده به اقتصاد یا مسایل امنیتی ضربه می‌زنند و می‌روند چرا که جایی امن در آن ســـوی مرز دارند. راســـتی چرا کسی که باید در جمهوری اسلامی مسئولیتی داشته باشد و به فکر محرومان و طبقات مستضعف باشد خانواده‌اش در کشوری دیگر ساکن باشند و خودش در رفت و آمد؟! از کانادا گفتند لازم اســـت بگوییم که خاوری یکی از همین «فرصت ها» (به قول اصلاح‌طلبان) اســـت که بیت‌المال را برداشت و به کاناداگریخت. راستی زنجیره‌ای‌ها از چه چیزی حمایت می‌کنند؟!

فرار به جلوی محکوم فتنه ۸۸ با استناد به مواضع ترامپ!

بهزاد نبوی از محکومین فتنه ۸۸ در گفت‌وگویی که روزنامه زنجیره‌ای شرق بخش‌هایی از آن را منتشر کرد مشکل اصلی براندازان را اصلاح‌طلبان دانست!

در بخشـــی از این مصاحبه آمده است: «من معتقدم اتحاد نانوشته‌ای بین دولت فعلی آمریکا، براندازان نظام و شاید ناخودآگاه تندروهای داخلی خودمان به وجود آمده است. آقای ترامپ و دولت فعلی آمریکا تمام تلاشش این است که اعتماد مردم را از جریاناتی که به آنها اعتماد دارند، سلب کند؛ در موضع‌گیری‌هایشان می‌بینیم که بیشتر انتقادات متوجه عملکرد دولت است. تمام تلاش‌شان را می‌کنند که مردم را ناامید و ناراضی کنند و متأسفانه بی‌تأثیر هم نبوده اســـت. براندازان نیز، اگر دقت کرده باشید، در فضای مجازی لبه تیز حملاتشان متوجه کسانی است که ممکن است مردم از آنها حرف‌شنوی داشته باشند و مورد اعتماد مردم باشند.»

بهـــزاد نبوی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود به بـــزک برجام پرداخته و منتقدین آن را مورد حمله قرار داده و گفته اســـت: «برجام امضا شـــد و هنوز مرکبش خشـــک نشده بود که حمله به آن را شروع کردند و مرتب اعتراض می‌کردند: «پس چه شد؟!»، «چرا هیچ دستاوردی نداشت؟!» و... این درحالی بود که تا یکی، دو ماه بعد از امضـــای برجام که ده‌ها هیئـــت بزرگ اروپایی، ژاپنی، کره‌ای و... برای مذاکره می‌آمدند، تندروها در کنار نقد و نفی برجام، با اقدامات عملی ماجراجویانه، مانع از تحقق اهداف مذاکرات با آن هیئت‌ها و بهره‌گرفتن از نتایج آن توافق تاریخی می‌شدند.»

وی مقصر اجرایی نشـــدن برجام را منتقدین دولت خوانده و گفته است : «مجموعه این مسائل سبب شد در دوران اوباما نتوانیم از نتایج برجام اســـتفاده کنیم. امضای برجام عمدتا می‌توانســـت روابط اقتصادی خارجی را به حالت عادی برگرداند که حتی در آن صورت نیز همه مشـــکلاتمان در کوتاه‌مدت حل نمی‌شد؛ چراکه همان‌طور که‌اشاره کردم، در اقتصاد ما مشکلات مهمی وجود دارد و برای حل آنها به سرمایه‌گذاری‌های گسترده نیاز داریم.»

درباره اظهارات بهزاد نبوی نکاتی است که بایستی به آنها پرداخت ، نخست آنکه مدعیان اصلاحات متحدین طبیعی براندازان هستند، فتنه ۸۸ از یادها نرفته است که بهزاد نبوی و تعدادی از دوستان او به اتهام تلاش برای براندازی دستگیر و برخی از آنها از جمله حجاریان و ابطحی در دادگاه‌های پس از انتخابات چه گفتند، شعارهای آشوبگران در خیابان‌ها که خواستار برپایی «جمهوری ایرانی » و حذف اسلام از نام نظام شده بودند از یادها نرفته است، اهانت فتنه گران به امام خمینی(ره) و نیز اسائه ادب آنان به عاشورای حسینی نیز هرگز از یادها و خاطره‌ها محو نخواهد شد با این وجود بهزاد نبوی با فرار به جلو مشکل اصلی براندازان را اصلاح‌طلبان می‌داند و می‌خواند!

نکته دوم اینکه بهزاد نبوی با بزک کردن برجام از اجرایی نشدن این قرارداد بین ایران و ۱+۵ بر اثر سخنان و انتقادات تندروهای داخلی سخن گفته است بی‌آنکه بگوید ایران به همه تعهدات خود در چارچوب برجام عمل کرده ولی در مقابل طرفین مقابل به اکثر تعهدات خود عمل نکرده و در نهایت نیز آمریکا از نعش بی‌جان برجام عبور و آن را به حال خود رها کرده اســـت، حال مقصر اجرا نشـــدن تعهدات آمریکا کیست؟ منتقدین که از ابتدا می‌گفتنـــد ایـــن برجام منافع ایران را تضمین نکرده و ضمانت اجرا نیز ندارد یا بزک کنندگان برجام که همچنان رویه خیانت بار گذشته را تکرار می‌کنند و ادامه می‌دهند؟!

کاسپین را فراموش کردید؟!

روزنامه ایران در شـــماره دیروز ۴ صفحه خود را به موضوع مؤسســـات مالی اعتباری اختصاص داد و گزارش، گفت‌وگو و یادداشت‌های متعددی را منتشر کرد. ارگان دولت در این ویژه نامه گرچه مطالب مهمی را در زمینه تاریخچه شکل گیری این مؤسسات، روند فعالیت آنها و... تبیین کرده‌اما آنچه شائبه برانگیز است، حساسیت ویژه این روزنامه روی یکی از این مؤسسات است. رویکرد مذکور این سؤال را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد که چرا به مؤسســـات دیگری نظیر کاســـپین که دارای مجوز از بانک مرکزی بوده پرداخته نشده است؟ مؤسسه کاسپین ســـال ۹۴ از بانک مرکزی مجوز گرفت و همین موضوع موجب اعتماد ســـپرده گذاران شد اما چند ماه بعد مجوز خود را نادیده گرفت و آن را مشروط خواند. این مسئله آغاز بحران برای سپرده گذاران این مؤسسه شد. چرا بانک مرکزی همان ابتدا مشروط بودن مجوز به کاسپین را اعلام عمومی و شفاف سازی نکرد؟

منتقد محترم افسانه‌ای!!

روزنامه اعتماد در گزارشی به موضوع دوتابعیتی‌ها پرداخته اما نکته عجیب این گزارش نتیجه گیری آن براساس تجربه یک کشور است. این روزنامه طیف موسوم به اصلاح‌طلب می‌گوید دوتابعیتی‌ها نه تنها تهدید نیستند بلکه آنها می‌توانند فرصتی برای کشور باشند!

ابتدا این نکته را متذکر شویم که تیتر یک شماره دیروز اعتماد به موضوع نقد و انتقاد اختصاص داشت و بر پیشانی صفحه اول آن این جمله به چشم می‌خورد: «منتقد نباشیم فرو می‌افتیم»

اگرچه طیف موسوم به اصلاح‌طلب ویترین زیبایی از شعارهای قشنگ دارد اما آیا عملکرد رسانه‌های اصلاحات با شعارهای آنها همخوانی دارد؟ پاسخ این سؤال را در ابتدای همان یادداشت مربوط به دوتابعیتی‌ها می‌توان یافت: «[موضوع دوتابعیتی‌ها] در یکی، دو ســـال اخیر همواره یکی از مباحث مهم سیاســـی کشور بوده که به‌ویژه برای تحت فشار قرار دادن دولت ازسوی مخالفان مطرح شده است...»

در این سال‌ها اگرچه گفتند که نقد و منتقد محترم هستند و قلم‌های منتقدان را باید ستود اما در عمل هرگاه در موضوعی انتقادی صورت گرفته حامیان طیف موسوم به اصلاح‌طلب به تکاپو افتادند تا عملیات ترورشخصیت را در مورد منتقدین به کار گیرند و یا انتقاد آنها را سیاسی کاری جلوه داده یا وسیله‌ای برای فشار به دولت عنوان می‌کنند. معلوم نیست این «منتقد محترم افسانه‌ای» کجاست؟!

نکته قابل تامل این است که در بخشی از این یادداشت به این نکته اشاره می‌شود که منع به کارگیری افراد دوتابعیتی «قانونی[است] که چند دهه از زمان تصویب آن می‌گذرد... قانونی که استفاده از شهروندان ایرانی دارای تابعیت مضاعف در مناصب مدیریتی را خلاف می‌داند...» این یعنی منتقدان با طرح این موضوع عملا اجرای مفاد قانون را درخواســـت کرده‌اند و اگر این موضوع قانون اســـت (که هست) دعوت به اجرای قانون چرا سیاسی کاری است و مدعیان «قانونگرایی» چرا از این موضوع برآشفته می‌شوند؟!

مدیران دولت کمترین ارزشی برای روحانی قائل نیستند!

روزنامه بهار دریادداشتی با یادآوری سخنان اخیر روحانی خطاب به مدیران دولتی مبنی بر اینکه «اگر تاکنون کارهایی را طی یک هفتـــه انجام می‌دادیم اکنون همـــان کار باید دو روزه انجام شـــود»، به انتقاد از سستی و بی‌عملی مدیران دولتی پرداخت و نوشت: «خانم مدیر، مدیرکل و وزیر شـــما در برابر مردم ایران مسئولید و باید پاسخگو باشید. آقا و خانم مدیر محترم جمهوری اســـلامی، بالاترین رئیس‌شـــما رئیس‌جمهوراست. آیا ایشان از همه شما نخواستند برای مردم وقت وسرعت بیشتری قائل شوید؟ پس چرا به سخره می‌گیرید وبه شعور جمهور مردم ایران توهین می‌کنیـــد؟»

این روزنامه حامی دولت در ادامه نوشت: «آقای رئیس‌جمهـــور محترم به شما اطمینان می‌دهیم مدیران شما درسطح کشور آنگونه که حضرتعالـــی انتظار دارید عمل نمیکنند. شـــک نکنید کارهای یک هفتـــه‌ای دوروزه انجام نمی‌شـــود، بلکه بدتر از آن کارهای ۲دقیقه‌ای ۶۰ روزه هم به سرانجام نمی‌رســـد. مگر مواردی که با روابط نسبی، ســـببی و ســـفارش‌های ویژه همراه باشد. با همه این تفاسیر این داســـتان سردراز دارد وتدبیری ساختاری می‌طلبد».

گفتنی است آش بی‌عملی و بی‌کفایتی مدیران دولتی به حدی شور شده که جریان رسانه‌ای زنجیره‌ای حامی دولت که تا دیروز در نقش تبلیغاتچی مردم را به رای دادن به دولت تدبیر و امید تشویق می‌کرد ، امروز از بی‌عملی و بی‌کفایتی مدیران دولتی فریاد سر می‌دهد.

دولت همچنان مشغولِ ورود زنان به ورزشگاه!

روزنامه آرمان در مطلبی نوشت: «معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده گفت: دولت شیوه‌نامه‌ای را برای ورود زنان به ورزشگاه‌ها تصویب کرد».

مسئولان دولتی و رسانه‌های زنجیره‌ای پاسخ نمی‌دهند که در دوره‌ای که بانوان جامعه دغدغه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عدیده‌ای داشته و معضلات بسیار مهم‌تری برای حل و فصل دارند، آیا حضور بانوان در فضای نامناسب ورزشگاه به راستی دغدغه چند درصد از بانوان جامعه است؟! آیا یک زن سرپرست خانواده که با حجم مشکلات بسیار برای تغذیه، تحصیل و مسکن فرزندانش روبه‌روست، انگیزه‌ای برای رفتن به ورزشگاه و تشویق دارد؟

به راستی جریانی که اینقدر برای حضور زنان در ورزشگاه در جایگاه تماشاچی خود را به آب و آتش می‌زند و نگران نشاط و سلامت روح و روان و جسم زن ایرانی هستند با خود اندیشیده‌اند که اولویت با کدام است؟ ورزش یا به تماشای ورزش نشستن؟ چقدر کار درست و درمان و اصولی برای رواج ورزش‌های همگانی، سالم و کم هزینه زنان انجام داده‌اند؟ آیا زنان مســـلمان جامعه ما بیش از آنکه مشـــتاق حضور در ورزشـــگاه باشند به دنبال مکانی مناسب و استاندارد برای ورزش کردن نیستند؟

براســـاس آمار موجود، ســـرانه فضاهای ورزشـــی و تفریحی اختصاصی برای زنان و دختران ایرانی به شدت با استانداردهای حداقلی فاصله دارد و کوچکترین جهت گیری برای جبران این فاصله دیده نمی‌شود. ورزشگاه‌های اختصاصی و مناسب‌ســـازی شده در دستور کار دولت نیســـت و پارک بانوان که زنان ما بتوانند آزادانه و با لباس غیررسمی و راحت در آن قدم بزنند در فهرست‌های دولتی و شهرداری جایی ندارند!

اما مســـئله اصلی فراتر از اینهاســـت. انحراف افکار عمومی از موضوعات اصلی، یکی از مهم‌ترین شـــگردهای عملیات روانی اســـت. تلاش برای فعال کردن گسل‌های مختلف جامعه از جمله گسل‌های جنسیتی مدت‌هاست در دستور کار قرار گرفته است.